

بحثی درباره

موسیقی ایرانی در تماس با موسیقی «علمی»

(۲)

مطلب دیگری که در مباحث مربوط به موسیقی ایرانی بسیار بیان می‌آید، «اختلاف ربع پرده» است که اصطلاح «جدال ربع پرده» ظاهراً در این مورد مناسبتر مینماید؛ این «اختلاف»، از نظر نوع و کیفیت سه تفاهماتی که پدید آورده، برآستی بر معنی است. بخصوص از آن جهت که اغلب، اصل مطلب در آن میان نادیده گرفته شده است.

«ربع پرده» را عده‌ای مولود عدم حساسیت گوش، و عبارت دیگر نت‌خارج قلمداد میکنند، برخی بر سر تعیین مسافت صوتی دقیق اینگونه فواصل بحث می‌کنند و گروهی معتقدند که اصلاً می‌توان از آن چشم پوشید و با ترکیبات صوتی بخصوص حالت و تأثیر آنرا ایجاد نمود. آنچه باختصار در مورد این نظریات مختلف گفتنی می‌نماید، نخست اینکه اینگونه فواصل، بعقیده بسیاری از زیانم شناسان و موسیقی دانان صاحب نظر، برعکس، مولود حساسیت گوش و طبع شرقی و ایرانیست. دیگر اینکه تعیین دقیق مسافت صوتی این فواصل - و اینکه از ربع پرده اندکی کمتر یا بیشترند - بهر حال از نظر هنری و استتیک نسبت بی‌بحث ما بیگانه است. ولی نظر گروه سومی که اشاره شد از آنجا که به تندی چند از موسیقی دانان پر استعداد ما نسبت یافته است، درخور تأمل می‌باشد. ما بدین نظریه چند ایراد انتقادی را وارد می‌دانیم: نخست اینکه چشم پوشیدن از این فواصل برای ایجاد یک «موسیقی ایرانی بصورت علمی و دنیا پسند» راهی ننی گشاید و بلکه برعکس ما را از این راه دور و منحرف می‌تواند ساخت. دیگر اینکه تأثیر و اهمیت این فواصل، بهر حال، بعنوان قدرت و وسیله بیان (موبن دکسپرسیون) جدید و بی سابقه‌ای در موسیقی غیر قابل اهمال و انکار است. تذکر این نکته بیشک برای برخی از موسیقی دانان ما تعجب و تازگی خواهد داشت که آهنگسازان پراچنی چون «انسکو» و «مسیلان» (از جمله عده‌ای دیگر) اینگونه فواصل را، بهمان عنوان «ربع پرده»، و حتی گاهی بی آنکه از لحاظ مقتضیات مودال بدان نیازی باشد، بفرآوانی بکار می‌برند. ولی اینکه می‌گویند می‌توان با بعضی ترکیبات صوتی حالت و احساس «ربع پرده» را ایجاد (و باخشی!) نمود، این مطلب تا این حد منطقی و قابل قبول است که گفته شود مثلاً در زبان فارسی برای ادای حرف ج، از ترکیب حروف دال و ژ استفاده بعمل آید؛

از این نظریات و ایرادات نادرست که بگذریم خود را ناگزیر از اشاره بنکته ای می یابیم که نشان می دهد که «اختلاف ربع پرده» سوء تفاهمی بیش نیست. توضیح آنکه موسیقی دانان و محافلی که بهواداری و دفاع حقوق ربع پرده شهرت یافته اند، تا آنجا که نویسنده اطلاع دارد، در نوشته های خود اصولاً منکر وجود ربع پرده، بصورت بسیط و بخودی خود، در سیر نغمگی مقامات موسیقی ایرانند و آنچه منظور اینان است دوفاصله موسیقی ایرانیست که از ترکیب نیم پرده و یا پرده معتدل با «ربع پرده» پدید می آید و برای این فاصله، بحق، حق حیاتی قائلند. و اما درباره ثوری گام بیست و چهار بخشی، با اینکه خارج از بحث حاضر است، با وجود ایراداتی که ممکنست بدان از بعضی جهات وارد دانست، منکر این مطلب نمی توان بود که برای دریافتن مقامات ایرانی و پی بردن بساختمان آنها، راهی مفید و تنوری ای قابل دفاع میتواند بود. بهر حال، از آنچه تا کنون گذشت، می توان بجرأت نتیجه گرفت که استعمال اینگونه فواصل در موسیقی با اصطلاح «علی» هیچگونه مسئله لاینحلی بدست نمی دهد و اگر مشکلی در کار باشد ریشه آنرا باید در خصوصیات استتیک موسیقی ایرانی جست و برای حل آن با اصول نادرست و نامتناسب دست نزد.

در اینجا لازمست بعامة مردم و شنوندگان کنسرهای ما و بنظریات و عکس العملهای آن نیز اشاره ای بشود. ما تا کنون هر گاه فرصتی دست داده در اینمورد و نیز راجع بنقش و تأثیر تربیتی هنرمندان سخن گفته ایم. چه، سالهاست که در این مملکت فورمول «مردم خوششان می آید» - و یا نمی آید - عذر و بهانه ای برای بخش و ترویج آثار بی ارزش هنری شده است. عکس العملها و نظریات عامه - حتی در صورتیکه کاملاً صمیمانه و صادقانه باشد - همیشه درست و قابل اطمینان نمی تواند بود.

در اینمورد بعنوان مثال، توضیح واضحی بی مناسبت نیست. منظور از موسیقی ایرانی تا حدی اینست که این موسیقی ترکی و عربی و ارمنی نباشد. حال آنکه این موسیقی ها و بطور کلی موسیقی مشرق زمین، اساس و مقاماتی کم و بیش همانند و واحد دارند و بنا بر این برای یک شنونده عادی ایرانی، حتی اسکلت ناقصی از یکی از این مقامات مأنوس و آشنا می نماید. ولی یک «موسیقی ایرانی بصورت علمی و دنیا پسند» باید آنچه را که موسیقی ریسمکی کر سا کفو و خاچاطوریان نمی توانند داشت، در خود داشته باشد و آن، مختصات و حالت و رنگ موسیقی ایرانیست که در طی این مقاله، بدان کم و بیش اشاره ای شد. در اینمورد نظرو قضاوت عامه مردم جائز الخطاست و معیار کاملاً صحیحی نمی تواند بشمار آید.

از اصل عامیانه «عقل مردم توچشمشان است» نیز، بمنظور توفیقی سهل الوصول اما بی پایه، سوء استفاده شده است. شاهد مدعا بخصوص برخی از اسلوب و «افه» های عوام فریب توخالیست که مخصوصاً در آناری که بوسیله ارکستر سنفیک تهران اجرا گردیده کیاب نیست. بعقیده ما با چنین وسائلی منفی، کمتر کار مثبت هنری و ملی صورت می توان داد.

موسیقی «مجلسی» (موزیک دوشامبر) و «سازی»، برای طرح و حل برخی از مسائلی که موسیقی دانان ما با آن سروکار دارند - و منجمله «فورم» - مناسبتر از تشکیلات بزرگ سنفیک است. تازه اگر هم این مطلب قابل تردید باشد، وسائل مادی اینکار بهر حال فراهم تر از وسائل سنفیک فعلیست. سازهای ایرانی و رنگ و خصوصیات آنها هم منبع الهامیست که نباید از آن غافل بود. از موسیقی آوازی نیز در اینراه استفاده بسیار و پرمایه می توان کرد، بشرط آنکه، برخلاف آنچه گاهی بگوش می خورد، آهنگساز لاقبل به «انتوناسیون» ساده زبان فارسی و بطرز ادای کلمات و اشعاری که بکار می برد آشنائی داشته باشد!

باتوجه بدان همه که اشاره شد و دریک چنین شرائطی، اتخاذ یکنوع «دیریژسم» موسیقی، بنظر ما لازم می نماید. از آنجا که بیشک این سخن برخی را بر خواهد آشفت، لازمست در این باره توضیحی بدهیم. غرض ما بهیچوجه این نیست که در کار خلق و ایجاد هنری و آزادی هنری موسیقی دانان دخالتی بعمل آید که خود اصولاً مخالف این رویه هستیم. منظور ما اینست که در کار اصلاح و توسعه موسیقی ایرانی نظارت صحیحی بشود و هر جا که موسیقی، جنبه تربیتی و پرورشی می تواند یافت - و منجمله در رادیو - در راه ترویج اصول درستی، کوشش و تشویقی بعمل آید.

تأسیس یک کلاس استتیک موسیقی ایرانی نیز در کنسرواتوار لازم بنظر میرسد. گرچه چنین پیشنهادی در گذشته باریشخند عده ای مواجه شده است، بایستی بدین امر سودمند اندیشید و درباره آن مطالعه کرد. چه، وجه تسمیه کنسرواتوار، خود تا اندازه ای (۱) اشاره بحفظ سنن و ترادیسونهاست.

۱- گفتیم تا اندازه ای، چه دروجه تسمیه و ریشه کلمه کنسرواتوار اختلاف عقیده هست. از طرف دیگر چندی قبل در ملی صحبتی بادوستی صاحب نظر و موشکاف، این مطلب بیان آمد که برخی از بزرگترین کنسرواتوارهای دنیا برای حفظ سنن موسیقی ملی خود، ظاهرأ عمل بخصوصی انجام نمی دهند. هنرستان مهمی چون «سکولا کاتورو» که در بدو امر برای حفظ و توسعه برخی از سنن موسیقی فرانسه، در اوایل قرن گذشته (بقیه حاشیه در صفحه بعد)

در اینکار البته صلاحیت علمی و عملی موسیقی ایرانی، مهمترین شرط است. آنچه گذشت مسلماً جزئی از بسیاری است که در این بحث گفتنی بود. تازه در این میان هم، ادای حق مطلب مستلزم اینست که هر جزئی خود مورد بحث و تفصیل جداگانه ای قرار گیرد. این کاریست که اگر فرصتی دست دهد بدان خواهیم پرداخت.

در خاتمه این بحث از خواننده درخواستی داریم، که اگر بحثی جز این در میان بود توضیح و اضحاتی بی‌مورد بیش نمی‌بود ولی از آنجا که با طرز فکر و استدلال طبقه‌ای آشنائی داریم که احتمال دارد - و امید است - خواننده این مقاله باشد آنرا دور از احتیاط نمی‌دانیم. و آن درخواست اینست که خواننده، پیش از اینکه در مورد مطالبی که گذشت قضاوتی نماید، از اینکه این مطالب را درست دریافته است، اطمینان حاصل کند.

زاون ها کویان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

درباريس تاسيس يافت، از اين لحاظ بر معنی است. ولی بدین نکته توجه باید داشت که اولاً هنرستان مزبور جنبه‌ای مذهبی داشت و بیشتر در حفظ اصالت موده‌های کلیسایی می‌کوشید (ناگفته نماند که مطالعه بعضی از این مودها، منجمله از لحاظ ریتم آزادشان، برای موسیقی دانان ما بی‌فایده نمی‌تواند بود) و بعلاوه حفظ موسیقی ملی در بسیاری از کشورها با فعالیت‌هایی بر زمینه «اتنولوژی» و «فولکلور» عملی است و با مؤسسات آموزشی موسیقی چندان ارتباطی نمی‌یابد. حال آنکه قسمت عده موسیقی ملی ایران، «عامیانه» نیست، اصول و مقررات و قواعدی خاص دارد و سنن حقیقی موسیقی ملی ما را باید در آن جست.